

نیمه است ششم
اداره مرکزی جبل المتین
کلیشه لو جیت در روز ۱۲۵۰
کارهای تعلیم و تدارکات
شماره ۱۳۱۶
دو شنبه ۲۷ و پنجشنبه ۲۸
مطابق ماه می ۱۳۱۶

ششمین شماره

صفحه شصت و یک
قیمت مع اجرت چاپ - لیاز - شش ماهی
هندستان - برادری - ۱۰۰ - ۱۰۰
ایران - افغانستان - ۲۰۰ - ۲۰۰
مالک - عمانی - مصر - ۱۰۰ - ۱۰۰
اروپا - ۱۰۰ - ۱۰۰
مالک - روسیه - ۱۰۰ - ۱۰۰
یکشنبه - هندوستان - ۱۰۰ - ۱۰۰
ایران - بنگال - ۱۰۰ - ۱۰۰

بدون قلمه نمونه بنام احدی فرستاده نشود

حجت کوهلو در معرکه و کشتی در عالم منصفه و در قضاوت از اراضی و مستحقان در این شماره می شود سلام استیجاب در روز دوشنبه ۲۸ و پنجشنبه ۲۷

(اعلان)

چون بواسطه بدهی حساب رسیدگی در حساب فرد فرد وکلای محترم ایران بجهت اداره و تدارکات حساب این تمام وکلای محترم را بجهت مرکزی طهران بارجع نمودیم تا کسی که تمام وکلای اداره و خدمات او را بجهت خود یا بجهت سایر بجهت این بایستد تسلیم وکلای محترم بکسانی فارسی و غیره بجهت این باریافت و اداره و همان قبضه حسابات را در حساب یکس مرکزی طهران آورده و خلاصه حسابی حساب از اداره حاصل نمایند و کالت مرکزی طهران بکس کل و اختیار ضلع و متین وکلای اداره و در مطالبه حساب ساله وکلای ایران قمار است و اگر دادای و خدمات اداره یکی از وکلای اغراض نماید و کالت مرکزی طهران بجا است که در عدالت شکایت برده بگذارد و حقوق اداره و دیگران رود و یکس مرکزی طهران شخصاً مجاز در وصول نمودن بجز این حساب با اداره وکلای و مشرکین نیست مگر آنچه که در اواب جمعی است تمام و خدمات اداره متعلق بخدمات اواب جمعی و یکس مرکزی طهران بایستد وکلای بکسانی فارسی با اداره برسد و سایر وکلای هسائی فارسی قبضه و سند امدی را اداره از وکلای

مخبر قبول نخواهد کرد

(تذکرات خارجیه)

قلم انگلستان اظهار داشت که رئیس جمهوری تمام اقلیج داد شده که رعایت اداناسیت از نظر مساهله و همکار با دولت انگلستان در کمالی روز تصدیق نموده اند که در باره زمین سازی که سیاه انگلیس در پارس شده و در روز پنجشنبه و شنبه است
امالی ضلعی از درج اول و دوم ایران و کرد و در ایراک و عراق و مصر و قریب کرده اظهار داشت که بایان را تسلیم من نموده من اقسام بجهت گاه آنها بجهت اکتفا بکلی مسلعی نمودند
اعضای مجلس مندان مختلفی من بایستد قیمت ملکات سیاه هند و انگلستان و شیکوید که اگر مشیر قهرمانی صدی بجهت تخفیف نمودن شرایطی که در کتب گوناگون بجهت بکسی بگذارد خواهد بود
۱۹ و پنجشنبه ۲۸ از رئیس جمهوری ترانوال مجلسی را بماند و نموده در موقع افتتاح ضلعی داده اظهار داشت که بعد از این بجهت حقوق کارکنان مصادف و ترمیز من بایستد در این است پیش خواهد گردید و نیز رئیس جمهوری اظهار داشت که بجهت من بایستد بکسین بندی را می کرد و شد بکم جلالی کار و ادالی خواهد شد
شب گذشته در دسالبری رئیس پارلمان و وزیر خارجه انگلستان در دعوت (اکدمی) اظهار داشت

که در امتین است مساهله که سیاه انگلیس در روس در مساهله تپین شده من بجهت اختلاف سیاه هند مشاگر آنها باقی نماند
دیوگ آف یرونت که از شاهزادگان انگلستان بود با بجهت فانی را در ادع گفت
پنجشنبه و پنجشنبه ۱۳۱۶ بجهت مرکزی را که در روز ۲۸ ماه آبان کپ آقا برده نموده بود در زمین مرتفع کمال گردید و رجال انگلستان کفایت او را در نظر گرفته اند و همین بجهت است
من بایستد مساهله رئیس و انگلیس در مساهله تپین آلمان اظهار رعایت کرده که اخبارات آلمان و فرانسه این مساهله را در ایل قوی بجهت امتیت آینه گرفت اخبارات انگلستان هم در خصوص اخبار رعایت بجهت بعضی اخبارات فرانسه میگویی که این مساهله بجهت فرانسه دولت فرانسه خواهد گردید
در مساهله دولتین روس و انگلیس میگویی بجهت آزادی و بقای دولت چین شده است و مندان مساهله و قریب اعلان خواهد شد
بجهت و یکم و پنجشنبه ۱۳۱۶ در مسایل و در روز مجلس بکسانی بجا بر تها تهریری بسیار پر اثر شده است در زمین تقریر را اظهار داشته که وقتی باید که در تمام قطعات از جمله و بجا بجهت که در تغییر زیاد می از عدم تحسین ایراد آلمان نموده که بدون هیچ خیال را در خود را اظهار نموده - خوف از آلمان انگلیس

داشت که دولت انگلیس که از امتیاز آن
از جنبه آقا بهره داده شود ولی جای هزاران گوز
فخاست که این مبلغ گزاف را متولین بهوشیار
جمع آوری نمودند و آنرا به تعزیرات خود بیان نمودند
اقتشاش افریقای جنوبی رخ نخواهد شد مادامیکه
ترانوال مشغول باشد

شب گذشته در دارالشرایعی انگلستان (سربری نو)
من با بکرک شراب بحث نمودم که اهداس براداره
دستگام نیز کرده باقی مشروبات لا بودجه است
در همان شب تریچبر لین من بایع عرضه داشت عایقا
انگلیس از ترنوال اظهار داشته که در اجتماع آن و
پسروی نمودن در آن من سوچه بودم مستخدم
بیست و دوم دیچبر ۱۳۱۶ است گذشته بودیم
دولت جنده دارد و دارالشرایعی آن انگلستان پیش
در ولیم بارکورت و دستریالعهین اجازت زیاری
برای دریا بیل میکس می نمودند

تجارت زیاد و عرضه اشقی نمود و دریا بیل میکس
قانون بکرک شراب نموده جایزه داده است که تبدیل آن
است ملی سلطنتی بیست و نهمی شود که بر تجارت
شراب تعصانی وارد نیاید

اخبار مجلس مینویسد عهد نامه کمیته روس و
من بایع معاملات چنین شده این است که دولت
انگلیس شمار و قیمت مس بزگی مع یکصد و پنجاه
ساختن راه آهن چین تا روشن باد و آن معتز داد
و بالای آن ساختن راه آهن به چین میسازد
اخبار مجلس مینویسد که دولت انگلیس از چین
تا وان زیادی نموده است که در چین و ایران
دکونون اباشاره حکومت و کنتان (برعایای آن
نموده بود نمک در اعظم چین تمام قصور را بر این
اخبار دینو یارک برله مینویسد که پادشاه سیام
لیوانگ پری بنگ را که از تصرفات او بود و دولت
فداند و اگر آن نموده در عرض دولت فرانسه
مقام (جان تو بن) را که قاضی بود سیام و اگر آن نمود
ایراهم علی نامی را جنرال کپور نوسل نموده نزد امارت
فور، فرستاد وقتی ایراهم رسید و به فینیم برامیر (فر)

نامه جا و مقام او را قیض نموده بخش درود
ایراهم فینیم مذکور برابر ایسم و همایش
که یکصد و پنجاه نفر بودند نامه یکصد و بیست
نفر باقتل دشمنانده ایراهم علی بایسی نفر فرار
کنده برادران آمده است

۲۳ شهریور ۱۳۱۶ دارانگ پوست بیست و سه
صد و شش و اگر توش سرور غاصب امارت (دونا
زده قابل برداشت نیست لاجا دولت انگلیس
دسکوت صحرانارک خواهد شد که در روس
فندان آینه قنون سیر کوبی غاصب (دونا
فستاده خواهد شد

بموجب خبریکه از سوار سیده توشل انگلیس در
در معالجه فوری دم از مصالحت زده اند
المان انکار نموده است

۲۴ شهریور ۱۳۱۶ از اخبارات مکرر آنچه
ظاهر می شود در شکای و اطراف آن تعیینات
شکر که تمام داده خواهد شد

مستقیم چین و وزیر مستورات قاریه انگلستان
و امارت جمهوری ترانوال من بایع قیام
ساختن دیانیت در ترنوال و (الکس ادا
در اسلات جاری است مستقیم چین و در خط سوم
می نوشته که اجیاز دادن در ساختن و بنا
بجهت دولت انگلیس نقصان دارد و اعلیای
این اجیاز درست نیست چه که بر خلاف بجهت
است

رئیس جمهوری ترنوال در جواب نوشته که ایقا
ساختن و بنا نیست هیچ و بدین معنی با عهد نامه
نیست و حق حکومت است که آنچه باعث فایده
ما باشد از اجبه ادریم چنان مکان میرود که این
تکرار لیلول اجبه

عرضه اشقی که نه هزار نفر سابقین از فرق
دانند (س) ای رئیس صبهوری پیش نموده انگلیس
صداقت عرضه اشقی را که بکرک انگلستان فستاده

(بندر عباس)

چند هفته قبل من بایع کتاب نام لطانی بجهت
باوانده رسیده نوشته بودیم که اخبار مردم آن
مخبران جبهه یزدی را بنیر استحقاق شکسته تعریف کرد
باسم آنکه طلب کار است تمام آن را تصرف شده بود
استشهادی را که در هفته قبل کتاب موصوف ادا
فستاده و جسی رحمت رحیم موشن تصدیق کرد
همین ادره مطلب را که نموده خواهد کتاب لطانی
مرد در دستکار در اخبار محترم است آقا علی صغیر
موصوف دیون او بوده و اموال و اسلحه انبار خود
تردوی زمین نموده و انبار بهمه و لاک حکومت
جیاسی و کارگر آری بسته به نامیم حکم آنها در جنوه
جسی از اخبار بار کرده خواهد کتاب حقوق خود را
کرده است لهذا تصدیق عموم تجار محترم صاحب
کومصل وثوق ادا خواهد میده مطلب را درست ملتفت

نشد و این تمام را بر کتاب لطانی دارد آورده است
چون اداره از مضمونی جبهه راست کفکاری نیست
تردید آن مسنون را لازم است بر اسلحه عدم التماس
اسلحه نگار از ایشان معذرت نخواهم امید و این تمام
نجان و مراتب را درست مطلع شده با اداره اطلاع
دهنده آجبهه و لازم به ترود آن شود
استشهادی که از میده رنجیده آمده بود این هفته
درج آن نشانه الله بجهت آیه درج خواهیم

(بوشهر)

بند و مشت اشقی مکرر آقا از منظر بهوشهر رسیده که
در شهر مستقر بود که خداوند بر بنادری خلع فارس بکرک
در کم فرماست اگر این رئیس رئیس مستقر رسیده با رئیس
فارس و دولت علی قریطه خلیع فارس خلیع اصل است
خود در میان با دست فریاد از سر زردی و من پسری خلیع

(بمبئی)

مرض طاعون در بمبئی نسبت به سابق بمبئی
عمومی آن نیز بهتر است از بجهت های گذشته درین
چند نفر ایرانیان ازین مرض تلف شده اند
بجهت الله مرض طاعون کلکته همان است محبت
بمبئی گوم شده است این تمام ایراهم

تعالیه کلی رود نشندان قابل توجه ایرانیان

ای دین مقدس اسلام غایب نماند حصول ترقیات شما
از ایران در زمان آخوند خانی که در آن زمان است
احکام آن دین برین برین است که در ادب
مسیحیت است و بعضی عقین آن بر و با هم در کل مروج
که کول جهت ملای اعلام و ترویج و نشان آن بزرگان
تحت کتک را را رخ در دین نمایند آنکه فرموده
لله اتمی افضل من ابیای و بنی اسرائیل غلامی می باشد
پیر وی از انبیا و بنی اسرائیل نموده چنانچه ایشان
در تشریح حضرت موسی علی نبیا و علیها السلام میگویند
اشته پیش خالی که و طیفه مقدس خود را برود کل
نماز را به صاحب انجام است از بعد از توفیق
و که ترویج و تشیخ دین و عقین احکام شریعت
الاسلیم و طیفه مقدس است که ایضاً آن بر
ای دین فرزند من و من فرزند من

ان و طیفه بعد از انبیا نبوت و مهم ملکات و
شایهات قرآن و احکام صوم و صلوة خمس و کراهت
و جسد است اگر در عقین و ترویج فراموش
از هم هر یک از اصول یا این فرود شکست حاصل
اینکه حاصل در ایضی و طیفه نموده و خدمت خود را
شاید و تشیخ دین بسین تمام که آورده و از روز
ب مستطاب یا انحصار الرسول بلغ ما انزل ملک
برک ان لم تغفل فمالفت رسالک فخلت
که از دور دیوان کبری مسئول خواهند کرد که
خواست کلام چهار دفاع و حفظ خود و حوزه اسلام
علی عینه که مروج فتن اوج گرفته و شاخ و بالا
یده غامدی از هر سو رقصه و همصال رسانند
اسلام در شرف ایرانی و کار مسلمانان در عقبه
شانی است با خود و خارج از آنقدر قیامت
باره آنان نه سوره اند «الحب الناس امانا»
هم توانا قوم کیون فی آنکه الزمان لم یضرب
لیهم الجوه فاستجابوا علی یاض اگر این حد
شامل دوران و بشارتی بختل زمان نیست

که نمیدانند در وقت دین منوط بر و واج شرع و بزرگ
شریعت است بزور باروی جهاد و نیز وی جهاد
ماریانی است که روش می توانان خویش را پیش
سرور راه دین گیرند و بهندیس معلوم است به
افند و فتن زنیان و برافند افند علم اسلام
و کندن یخ دشمنان بهد سیه اتفاق و کنگر
سامان مده تصفای مان و آبرفتن فتنون بر
باسله بیکران مکن نوازنده زیرا که افند
شئون و احوال بقضای از بند و اوقات است
و باید در آشکار و نهان و پید و پنهان بدارک
ساز و برک دشمن کوبی و انتقام از دود و نقاشا
پرواخته سر بر سرهای دین و جان و کایم
ریخ خود را بچیزی نهمه و دین خود را فرزند
اسباب ترقی جهاد امروزه از هر چه آسان مانا
است چه اگر اطفال عوام و اقدام دولت و کوش
نوسین جهاد و ملا و در عقین احکام جهاد من
اتفاق که بهای عمومی انالی را و کوهت و آینه
لازم است و جهاد عقلی که نخستین پایه اسلام ترقی
مانی نازد و عدم انالی ایران است است
و محقق شریعت که سیه مکنی نام و از هر
مقام هر دو کون است عقلی و در زید و کوی
پایه تدلی نموده ایم و گرنه چه مانا ایرانیان کور
بر عالم برتری داشته ایم امروزه از هر چه است
باشیم این تیره فطرت غلامی است که گریبان مانا
گرفته است از سیر و موسی حکم چو پادور
زمان خود نموده و خود را بدهد کوه سیه ایم از
قوم نظری بحالت میان نموده و از خواست
بیدار شوند سلطنت کفر چاید با ظلم نمی باید بالا
ازین پرستم ظلم که در هیچ ادبی مساوات غایت
نیشود و ظلم البوتة را عدل شده اند آسایش است
که هر زردی بر که دستم و جوری نماید مسئول باشد
و کچه زمینه آید و این عهد لغت پیش کش ستارف
دسته که کیف باشد و از ایران در هیچ جای عالم
است چنانچه بزرگان و بر تیره این روش اندیشه و
فکر نمی نمایند تمام شدیم محمدیم آخرین نفس ما

چند روزی انیم از رفیت گرفته تا هر جا کارها
سپرده به ایادی بی خبر است و اتم فکر آن
میباشیم که از برای هر بی خبرت یکاره کار پیدا کنیم
و اید آورده فکر آن نسیم که از برای کار ما آدم تدارک
کنیم خدا را اگر گویم می بینم در راه خود میباشیم اگر گویم
باید بخش غلامی از دستمان کاران بی خبر است
که چند بسیار محقر حاصل خود را بر سر کای بسیار بزرگ است
و ملت برین سید هند چنانچه باید قانون انذام
مانقدر پریشان و شوش با که کور مار غایب آنرا
توانند و از وطن آورده شده و مع قبیل اهل محبت
پیشات الهانه و صفا مانا و وقت کنند آمانه
ما که به نسیم و بکنی دولت ملت که بحسن بود اداره
اناست از علم اداره آگاهی دارند و خود استحققت
دانند و زمان امور بسپرد را به اقدام خود گرفته
آیا فکر آن هستند آنچه را میداند یا موزند آیا این
بختسبها خاص رعایای انکارند نیز بذات و لیل
تست که چه بسیار بزرگترین برقی بسهم آنان است
خواهد کرد از ایزدی بیکی تزل خواهد نمود
نظری بحالت را بیکان هند نماید که شش چشمی
بینه از به کجایی بر تکران کنند و حالت آنرا
به نظر آورده ما که دست بر سر کای بکن اگر
ایران علم داشته باشد بر جزایای طیبی و تجارتی
و پولیسکی در ایضی وزارت ایران آگاه باشند
و شماره خوش تمام ایران را بدهند و قوه طیبی ایران
کشف نماید خواهند و است بسیار زود تر از این
کسب مالک رقابی توانند نمود و افسوس که نمیدانند
چه دارند و از آنچه از ایشان کم میشود عجزند و در صد
کجا هاری آنچه در دست دارند نمی باشند ایران
با آنکه مصولات طیبه شمس بسیار و ملی صنعت و ترقی
بیشتر است چه در ترقی ترقی ترقی بسیار است
شود و مالیاتش آمانا باشد به صورت و تفریح
مال که مروج جنبه مانا و ترقیات است و از هر
مسالک بیکر است و هر که در معادن و تفریح
و فروزه و سوس آبرین بسیده و قال سنگ حتی فرزند
هم دارد و بنگلهای ملی شمار را از است ملی انگت

ترقی او خیلی است تراژدی و شطرنج و دست هم است
 علی معادن شده و کدو خراج از عدم مساوات و کثرت
 مطالب حکام لای ریزع راهها نامهور و سایل بقلیه مقصد
 صنایع سبب عدم اقیانات نام و توفیقات لازم مخرج
 و بیکه سبب عدم رعایت حکام مسند و کل قانون مدنی
 تشریح و کتب مغلوک اعانه های بزرگ محمود نادر شده
 و شونده
 اگر از طرف این تا میله عمره راه آهن کشیده شده بود از
 معدن و قال سنگ لیمو نهاد دولت ملت استاده که
 میستودند باو که با او در زنگ جهانست سبب
 معدن نفت است در هر گوشه ایران صد چندان
 یاد که به معدن نفت جود است فراسان نیز است
 شود در فضل در تیر ما زندان است آرد در شت و غیره
 ملی و در هسایه و انانجری خیمه انسانی سازه کوچ دولت با
 آلت پیشرفت خیالات و مقاصد خود نموده اند گاهی
 بیکیه و تعارف و بعضی بخیله خواهی و اگر این دو سبب
 بزرگ که در ایران پذیرفته است و نشان کوه آه
 شتابنده به مانع آمده و دیگر زنده از برای ترخه بشکا
 تجارت و آبادی مملکت و ترقی دولت و سبب است
 آورده و با انواع و سالیس بافعال دولت کوشیده
 و کسری ترقی و کسنگاه عدالت و تجارت مستان
 کثرتی و لشکری داشته و در میانند و در انسانی دولت
 هم آن شوق و بهمت نیست که بنگاه کار و وقت فرود
 گوی مارا با باجمگان بپیر بر سبب (با قیاد)

مکتوب

خدمت می بخیرم روزنامه مبارک که جبل المتین آقای ^{میرزا}
 عرض میشود بکطلب حسینی که میسببهای کلمی دارد
 سنگ ترازی ایران است که در هر شهری و قصبه و ده
 سنگ علیهمیده دارند که اهل این قصبه سنگ قصبه بیکدیگر
 میبندند
 احوال قصبه بفرمانده شخصی از فارسه بخواجه سنگ ایران
 با سنگهای دیگر سوزانده نماید چون که به اسامی مختلف
 موسوم است و هر یک را یک شکل خاصه نماید چنانچه
 سطل خواهد بود که کدام سنگ مستقیم است سنگ تیز
 باطهران یا شهبه یا هزار متقال یا زل یا سنگ شاهی یا

بهشت یا زرامقال نماید
 خویاست مثل رودی که سنگ و طلا هر دو در
 که و آنکه است در طهران همان سنگ که در سبب
 است بیک شکل بیازنه و چهار شاهای نموده تا
 ایران تقسیم نماید سنگهای قبل را بر داشته حکم
 سنت نماید که گاهی سنگ مهر دار بر کس سنگ
 دیگر را استعمال نماید موافقه سنت شود بشده بیک
 یک تری نماید که این حکم اسباب خسارت است
 و در اصل ریش سفید و که فدای مسدود فراتنها شود
 ملاحظه نمائید سنگهای شمال ایران که نامند و
 جهت برین سفید شده اشیا نیست که در اقصای
 تاش دارد و گاهی شیب است مثلا مار و ج
 و قن قدق قرص که جو پهنه می انواع
 بول سیاه و سفید کل بود سنگهای تراژدی
 سنگ تراژدی که در آن هم از چینه و ساق
 بیراث مانده که حال بکمال از زیادتی سنگ
 در شمال شده و در شمال سنگ یک شمال
 و خود شخص عطار شاید چند هم ندارد و هرگاه از
 صد نفر کجف جزئی انصافی داشته باشد سال
 یک مرتبه سنگسار را حظه نماید آن کمال که سوال
 شده میشود و آن دو شمال که کمال شده
 قدر سوم همچنان تا سال آینده و حال آنکه آن
 یک نفر هم نخواهد بود
 باری الحال که بجه الله که کسب است ایران را
 بیدار شده خداوند کرم چنین شاهنشاهی عادل
 رؤف و مهربان و چنین وزیر با تیر مریات
 است خوب است این حیوانات حسنی درست
 بشود کلمی هم درست خواهد شد چون الله تعالی
مکتوب
 بی بیست که در مالک دول مصلحه و ملل متحد
 که از میاسن قوانین حسن سلوک مسویرین ایسا
 آسایش عموم ناسر آمده و میاست اگر ایک
 شخص ظاهر شود غیره همان وطن محض مزید ترقی
 خسی کجی نکته گیری کرده همان روز جوده بنظر
 ریش ریده نور اصیل نموده و از آن نکته

گیری خواهد کلمی بر میدارند از کجاست که در
 سنگستان از لحاظ نکته گیری لذت میدهد تا بلبلان
 سولم روزی اخبار را پس از خواندن بر تابکده
 فسر بود که هر قدر سواستم می بینم از من نکته گیری کرده
 افوس که در ایران بعلت قدم قانون و گرفتاری
 بهای گوگون که صورت و سنده و سوا آرنه بیک
 جنبش نکته سهند رخت میدهد که در سینه و غیره
 سیزدهم و نهم بلکه در ششماه گذشته در باب لزوم
 انتظام قسطنطین با در فارس و حلب و بنگال و قاسم
 یازدهم و شش از همین جهت مسلک گیری این بلاد و مستان
 و حثات ایطایه مکرر و قوم معلوم فرموده و ملی
 پیشکش داشت بر کسی گفت دین چه آخر اخبار
 اگر بری بهارم کرده در ای داده که سانس
 فسه نفاذ اجازه از دولت علیه ایران گرفته
 عمل قطنیه حاصل فارس را با لیز و انگلیس نظام
 حالا خوب شد تا در باب مواجب که ای بیکه
 تومان و پنجاه شصت تومان نوشته بودید
 است که بر بنگال این در راه قبیل و اقامت
 غربت قانع و راضی شده و حال آنکه در همین دولت
 که وطن ایشان است کمال است و آسودگی مای
 شتم از یکصد تومان با چهار صد پانصد تومان
 و در اصل دارند بیکه قبول این ضرر و از وطن
 نظری نمایند
جبل المتین
 پزنگان پارسی در سبب و پهنه و ستان که مای
 تومان دریافت میکنند اگر از جانب دولت علیا
 مای بیکه تومان مقصد و رحمت فرماید و حکم
 مسلک گیری طامون و آنکه بولی اطفال مجاز
 و حاکم بجه نفاذ از اجناس مسویرین را هم خدمت نماید
 و از دیگران حق القدم بگیرد پول و از دیگران
 نماید در صورت مای بیکه و پنجاه تومان
 تومان خواهد یافت و بعلت ارزانی در ایران
 پول برابر با سیصد تومان بنده میشود و همچنین
 پانزدهم که پنجاه شصت تومان بیان شد اگر
 ایطایه مستان ایرانی و شمال تربیت یافته اند

دارای چند بنده الله از راه دیگر هم منافع برده بود
 و از راه دیگر یک بنده ای که بیست و یک سالگی بود
 از آن که هزاران طاعون زده را سعال کرده اند و اینم
 سه هزار یکصد و بیست و پنج نفر است که در این
 (کتابتوب)

مستقیم است که بعلت عدالت و فضل السلطان ملک
 الله اولی ما که در آشنای سلفی اصعبان و کثرت
 آب و نعمت و تسهیل و سبیل و سبب قنایه که فقیر و صل
 باشد و ایرانیان عودا صاحبین خصوصاً اصعبان و غیره
 و در ذل نفس تجارت با فارسیه تمام دارند و این
 صورتیکه از عدم کفایت حکام لرستان و عربستان
 مسافر تریه مقابله باشد و حکام کامل کاروان در
 این دو مملکت بشانم تقرب اگر او را که آب و شوی
 بی تربیت که یکی رشید و دارای تفکیر میانه اند
 کار و شوار می کنند

اگر حکومت سلطنت تازه را ازین طایفه گرفته و رؤسا
 اطمینان داده و مورد التفات نمایند و مسلکی را از
 بزراعت نماید این گروه بجای نمر برار که زنده
 و شکست خورده رسیده جای تقبیل است که ناسورین
 مسافر ای برکان را امن و آنها را تربیت کرده اند
 حکام لرستان و عربستان از انقلام این دو ولایت

عاجت
مکتوبیت که یکی از علمای ایشا

شکل و شبیه نیست که حفظ اسلام و شرع بر هر مملکتی
 توفیق خود واجب و متمم و انانیم و اجابت است و آنچه مستند
 این واجب باشد ایضا واجب لازم است من الله
 و چون درین عصر کفار از اطراف جوانب با کفر من خود
 افتخار مذبح سگ دارند بالاتفاق و سلسله
 قلب بر مسلمین علی الاطلاق و همسوا که اسلام هستند
 پس بین حال هم بر مردم مسلمین لازم است که در تمام
 دین آمیزین و کلمتین با سینه اسلامی که شده و شمشیر
 حفظ این امر و در طلب یکی اسباب نصف توفیق کفار را بر
 و دیگری خود مسلمین ثروت و کثرت که معتقد است و
 نمایند این و در طلب یک امر صورت پذیر خواهد شد
 و آن ترقی تجارت است و عدم رفعت و طلب است و حاجت

و کفار هم خود را دنیا قوی شده و هر یک که تجارت
 اسباب نصف آنهاست ایران و محتاج بدین و بر
 نیست چه که نام ترقی کفار ازین و او ادرش
 است چنانچه سابق در سال نصف دولت بودند و
 آن در سال توفیق شده اند و اگر رغبت مسلمین
 باشد فاروق و طلب کردن از آنها امانت آنها
 و اسباب ترقی و ثروت آنهاست گویا بطن قیام
 ما سون از نجاست هم نیست پس بر علمای اعلام
 که الله اشالم لازم است که حفظ اسلام و شرع
 که فتنه زنده آنهاست مردم را از استعداده خارج
 منع کنند روزی شخصی یکی از علمای اعلام بنام
 که آنقدر روسی را بر زمین میزدند و بی خودی
 عرض کرد پس چه شده بود مذبحی که در خوردن
 آن سبب ظاهر شرع مسیحی نیست و لکن نخورد
 که خسته درین اسباب توفیق کفار و ثروت آنهاست

و مسلم نباید خود را مقتوی گرفتار و دیده
 باری محمد الله مالک ایران و سایر بلاد اسلام
 سخن دارند که استعداده خود را ترقی داده و محتاج باشد
 خارجه باشد و فتنه اگر ساهی و بیسی در این
 و سایر بلاد مسلمین بشانم سواد صاحبان ثروت
 و کثرت بختا مسلمین می تواند که مبنیان کثرت
 و کجایی اسباب با سانس از او هم آورده که هم خود آنها
 بهر برده هم برادران اسلامی خود را از احتیاج
 نمایند و کماهی دولت نیستند منع آمدن اینها
 و استعداده خارج را از ملک خود که مخصوص دین
 ایام چه که دولت با اول فاروق معاهده تجارت
 دارد و خلاف معاهده نخواهد کرد لکن چگونه است
 رفعت اینها س خارج و بطلند و نموده و با قدر خدمت
 کنند خود این کار اسباب است آن تجارت و آمدن
 استعداده خارج به ملک مسلمین خواهد شد کسی هم برده
 نیستند از ایرادی که در نمی گویند و اگر نخواهیم
 باین مرام و مقصود نایل شویم اولاً باید شخص دولت
 در مجال با ذوق اقبال آنها و اولاً در عدم رفعت باشد
 خارج نمایند و صرف نظر از مسکوت طایفه مستضعف
 است که کند که اناس را درین طوک هم و ثانیاً مملکتی

اعلام را هم لازم است که آنها چنانچه نامی هستند
 ششمن باشند و مردم را بهی از استعداده خارج بکنند
 حفظ لشکر و تفریح و تفریح و ضعف الکفار ای مسلمانان
 هم مذبح و ملت ای مستقیمین کلمتین شهادتین که
 طرف می سال از آنچه مسلمین ششمن و ششمن یک ششمن
 دیگر هم در ریختن بر آنها افزوده که دولت را بر
 است دولت و ملت را چون با هم متفق شده اند
 ترقی با هم هم قدم شده و با خارج ترقیات و ششمن
 که از در ترقی است کی از دول بزرگ می شود
 ای مسلمانان باید در ترقی خود که حافظ دین ششمن
 بکوشید و با دولت خود اتفاق کنید از اینها
 جهان میستان گرفت چنانچه دولت بدون
 نیستند کاری و ادوی آپیش بر برد که اکثر
 رفعت هم بدون دولت گاهی نیستند کاری از
 پیش برنده بلکه رفعت دولت بدون دولت بول
 ظل خارج و دول خارج خواهد بود و یا نظر سبال بود
 نیکنند که ملت بی دولت چنانچه حکومت دول
 خارجه هستند و گاهی وقت بیست آنها نیست آنچه

ثروت و کثرت که دارند
(مکتوبیت که یکی از علمای ایشا)

مدرسه و کتب و اما در کتب قنایه در ششمن است
 انجمن مسافر طهران سفارت سفینه دولت علیه
 رسیده بموجب ذیل است
 از سمت السلطان میرزا کاظم بیگ یکصد شات
 جنرال و نسل ایران در بطریق سفینه و سفینه
 از ترقی و ترقی ایران ششمن سکونت مقرب
 الحاقان میرزا جعفر خان یکصد و ششمن
 عالیجه آقا میرزا عبد الله صاحب کدی و طباطبائی
 ساکن سکونت بیست و ششمن
 سفینه الحاقان میرزا کریم خان میرزا کریم خان
 با هم بیست و ششمن
 اشرف الحاج حاجی بولاب آقا میرزا اسد الله
 عالیجه آقا میرزا عبد الله آقا میرزا کریم خان
 عالیجه آقا میرزا جعفر خان آقا میرزا کریم خان

فلک بطرافت مذکور که در سینه مذکوره احاطی
 کامل از طرفین شده است و عالی از روی مستقیم
 در سینه معجزه بای سینه و شوق که فتن ایات بود
 داد این شوق که در این جنبه بای از طایفه نوری
 و از روی طایفه بر اسطوانات سابقه و لاقه سوز
 خات تا ایش و یک ثوب پالتوی تن پوش
 خاک سوز کرده و سطح جهان طالع باد شاهی که
 این سینه ذات سطر که صادر شده بر حسب قیمت
(اسوا و فرمان مظهر طمعان)

جناب ملا آقا میر الامام العظام قدوی دولت
 اید از تمام توأم العز و الاحرام حیب الدفان سلطه
 الود و سردار لشکران استر آباد و کرکان بسایات
 نیایات مخمور و سبای بود که با چون بسواره از
 مس من خدمت بقای داسم فدویت خاطر حجت
 اثرهایون را از امنی و سکرورد است بهت یا کار خفا
 بر اجسری تکالیف و دینت دولت خدای گماشته
 و بیخ گشته از کلمات جان نثار بر افرو گداشته
 و دعوات صداقت سادات کتیب حضور آو قیابا که
 پیشگاه و محنت و نگاه حضور مظهر لوط که مکشوف
 و خواطر فایات اثرش بنشای بیدل کمر متد ایزد
 ملامت حمایت در حق این جناب سلف است
 لحنه ازین موقع محض ظهور علوم و احسن خصوصیت
 خاطر این جناب در سینه از تفریت و اندوه تقدیر
 الود و لاجد و ازین نشانه در خدمت نشان ادر مقدر
 و یکثوب پالتوی تن پوش مخصوص هایدون برسم
 غلت سحر بقره لسانان ستمه السلطان الود
 این جناب در خدمت ارسال سوره که با کمال افتخار
 دایمه واری از نگارم حضور منته شاهنشاهی زینت
 چاکری درد و لقا ایمی نموده با انکیه بخارا ندوه
 از خواطر زود و بر مدارج خدمت و نظام مملکت
 و سعایح و حفظ عهد و شعور و بیظنم اسوار فرود و از
 خدمات خود خواهد در یا سطر لوط که از ایزد اعلی با
 بلایق اولی و الیق سرور داشته و این مراسم
 بقدر سزا زنده و در جنبه شاهنشاهی حیب
(بجگنورد)

بجود الله بنوای کبیر و حسب الامتضای اصل
 قتل استغاثه اغلب با و بای موافق میوز و کتاب
 شوق کسینخ و نوا باشد بهما و دیگر معطل
 است در روز گذشته نزدیک از ما مورین و کرم
 رقم شمارشان بدم ملتس با پریم کفنه
 این شامخنی از گنبد قابوس صحبت داشته انور
 روسی کوسی به (اشتاب بارکین) است طرف
 کینه را چاه حفر کرده و عقب زده و چاههای طلا
 سنگ فرار و زده بیدق تعریف بر افراشته
 لمزومات و سنگ تیزه است فراهم آورده و بهر
 بیوت با یکدیگر شمارش و اینها کمال است
 استغاب هم میوز و از غفلت مالت ایرانیه و در
 با تیر تیر بود پر سیم سبب شدت این درجه
 بیالی که قوا بای تیر سیر دولت قیمت گفنه
 امیرال باک شبانه میفرستند کفتم آیا ایرانیان
 با ایند بر سنگ آردین اسلام و متعین دین نصاری
 مستند از شیخ سعدی که گفته است نماز و دستان
 بروی و در و دشمنان کوی نشانی گفنه دست از دم
 بردار این در صورت و دشمنان امان است
 سلطان پرستی کفنه خسته اسپهای ایران از است
 پادشاه بجان شان که با نایه خواه و کولتیم
 در اصلاح مملکت میگویم قلمه بر کرم این
 کبیت با ما رو کرده و تفاعل ازین شجره فیثه
 قسب تمام ایران را عاقل خواهد کرد
 میفرموده اعلان نامزد باد که با زود دولت
 شد که امیر المومنین کرده است قرآن طبع گفنه
 برگاه چاب نماید آنچه ایالی که مقدر برای ملت است
 بردارند به سینه و میفرمود حافظه تهیه روسی پایه
 در انتمول دین اسلام و تریح دین خود است
 و اینچنان که نام خود را مسلمان گذاشته ایم و در
 غفلت ملی خیالیم که واقع از فرمایشات حریف
 ایشان نهایت سلامت شاددم دانست مراتب حسن
 استحضار خاطر مبارک الطمع بهم
 از سار که در جناب ملا آقا قای مشایخ
 نامور کبیر کینه قابوس برای باره مطالع

با سزا و تشریف برده اند با نور روسی مشغول
 در سینه مالیه و ترغیب تحریص نمودن بخت و کولت
 بودی خویشان است
(قول یکی از دانشمندان)
 اگر ایرانیان بای بندی توامه ذیل نماید امید ایم
 بروی ابواب ترقا را بروی خود باز بینند
 (الف) علوم و فنون مدیده را در علوم کتیب بطوری
 رواج دهنده که چه در بلاد عظیمه و چه در قرآت و در
 مدارس و دارالعلوم بای با قاعده جاری شود
 مضایح خود ملت یک ملت است و کولت باشد
 این مضایح را بطوری ادا کنند که شخص همایران
 قیاس و کبر بهم رسانای جنبه و اولی طلب طیب
 صرف میکنند علوم و فنون مکرره و در زبان فارسی
 عام فهم جاری میکنند اگر مشوره در مویه در و رت
 طعام و لباس صرف میکنند و رویه در شروع تسلیم
 عمومی نبه بر خود واجب بشمارند - یا اینهم علوم بای
 تسلیم قرآن و حدیث و اصول فقه و فقهیه منظم باشد
 و گذشته بر علوم جدید و استن و زبانهای مذکور
 شایسته یکی زبان عربی که زبان شریعتشان است
 دویم زبان اهل یورپ فرانسه اسپانیا روسی یا انگلیزی
 که زبان تمدن این زمان است
 (ب) جهل از علوم جدیده با دهن مملکت شایسته
 سس در علاج آن مرض میکنند بیشتره و زبانها و در اول
 آن ملبوسند و در معلوم است که کجای خود باشند
 سب و اگر روسای روحانی مانع چنین ترویج شوند
 که دیگر علاج مشکلات
 (ج) اگر ایران در چند سال برین تسلیم عمومی جاری
 شود یکس بر حسب احتیاج عاقله ملت از هر جا و در
 و کس رعایا بیکدیگر و این تقدیر نیز سعای باشد و از
 فیه و عملی کبار نبسته چند نفر را تخفیف میکنند
 شریعت تقدیر کامل باشد و هم از علوم جدیده
 سیاست اهل یورپ بیستگاه آن زمان مجلس عمومی
 قسب داده تحت حکم پادشاه که در اید پادشاه
 اقتایشان حضرت مظهر لدین شاه قاجار است
 با اوانه و توفیق ایشان که بر حسب قواعد و

که دو کل تو این و غیره را جاری و نافذ نموده
 که اگر کسی از این ادوات است یک عمل است
 (۱) تا وقتیکه مسلم رواج نیفزود و در این
 مسلم بنیامین است و منی و غیره و در این وقت
 از ادای بیهوده وقت خود را بیهوده فراموش
 که تحصیل بیشتر از وقت دولت و آگاه نباشد و
 از سیاست آن حال باشد از جمله راه آن که
 کارهای بجا نماند پس این برین منع نخواهد بود
 و در هر یک که باعث نجات ملت بود
 (۲) اجساد شریفه که در این وقت قتل اشکال
 آتی و چون بری و آهمن سازی و غیره و آنکه
 پیشین طریق جدید و مسافرتی منحصراست
 علوم چند تا که خود ایشان قابلیت ساختن
 پیشه انگیزه شکست و نیست آنرا خود
 نگارنده نامی دیگر ممالک که اگر فرض
 زردی نماند و آن از کینه خود آنها به
 سرزدن و حتی و بیست فخراتی ایشان
 افسوس که در آن و کلامان و مسافرت
 المراف و ممالک آغاب میگردد و وقت
 نگارنده که از آنکس بیاید و خواهد
 اجبه آنگونه و هم از این طبقه کار
 با کارگر امور ضروری ایشان گرفته
 دستا حتی اوسع بگویند که در فرق
 ربط و محبت تمام شده نام اختلاف
 محو گردد

(ح) آنچه منصف بر اهل اسلام است با فرق
 بطوری وقت بکنند که در سلب آنها نیز
 پیدا شود و کلامی که باعث از جاره
 خواه تغییر زبان یارند

(ط) از اینها تا در وجود و دیگر
 نسبت از اینها به وجود و دیگر
 کسی دیگر نظری آید که شش
 از آنست که بسیاری از ادوات
 برین مثل امین السلطان را قدر
 شب باشد و نباید در این صدر
 علم را از استقامت ایزدی

من اینها را در وقت با تو
 نخواه از دستم بگذر خواه
 راقم اقیم (ع شل ایست)

واقعات رباری دولت علیه ایران

سجلیات یک است غایب از شاهزاده
 اعظم سالار الدوله و تصویب
 و در وقت محمد و تحت حکمرانی
 نظریات ساده و لیاقت ششمی
 جناب مامی میرزا حسن خان
 مصادرات علی و تصدیق مامی
 خارج بریاست کل اداره وزارت
 و سپاهی شده (اداره جیل
 صمیمی قریب تبسید یک
 امیرزاده اعظم آقای
 سابقه و نهات کاظم تصویب
 بحکمرانی ولایت قم
 آقای صدیق الدوله تصویب
 متولی باشیکی حضرت رضوی
 گردیده

جناب مستطاب شریعت دار
 ابن مرحوم سید محمد اسلام
 سرور و اعم طو کانه آمد
 الالاسر از طرف قرین
 گردیده

جناب فراموش امیر تومان
 تصویب حضرت صدر اعظم
 منصوب گردیده

آقای مشرف الدوله سردار
 که در دست نظامی ناصر
 از روی حسن خدمت و نور
 عنایت خود وانی شده و
 یکقبضه ششمی قرین
 جناب شرف الدوله از
 وکیل ملک

از بازار مکان بالیات و کلمات
 دارالانشاء و امامت حضرت
 است در میان حضرت از
 آذربایجان بر حسب مواب
 پانوی قرین پرش جایز
 استیاز آند

آقای علامه الدوله که از
 همایونی میباشند بر
 تصب گردیدند

فصل بروز مرام خصوص
 الملك وزیر خست بر
 یکقبضه عصای مرقع
 نظریات توای اشرف
 مسرت و ترقیات و
 پیشگاه سلطنت علی
 در بد اول قرین
 منتقول ز روزنامه
 این او خسه در ایراد
 همه را آنگی بسته و
 جمع کرده اند که از
 بصرای بی آب و علف
 آورده و بجای زرع
 بسگاه این تصور
 اندک مدتی حاصل
 مسیوبات و از اجناس
 دیگر مبالغه کزاف
 مشهوری - جب اوف نام
 برای مذکره و شمس
 روس - بطور بیخ
 آنروز سال از دولت
 فروردتای سلف و
 آب شرب خواهند
 آنجا بود

(جیل المین)

لی از تمام خوشتر دولت رعایای با و ایات و فرستادن شناس است نمایان ترولین ایران که همیشه در پیش منترک المثلش بوده اند که گفته که با قطع ماهه شان و من غیر خود را بفریک کار و انرا هم نیتنا هیچ دولت و اول که سال قدرت و استطاعت داشته باشد از عهد و عهدی و کلی تیرات و آبادی مملکت بر نیاید رعایای مسعود و به دست دولت شده و تیرات مملکت و تفرقه زراعت و مسامت سازی باشد هنوز وقت آن نرسیده که مملکت ایرانش پدوش آینه و از عمل و کویا گرفته و تیرات مملکت غیر خود می نمایند این بود خواهی بود که چون مملکت بی قانون است و یکس در پیش حال کار محمد و نیست ایمنان ما میم اگر چه این امر را تصدیق داریم ولی تا شفا بر آن است که قبل از وقت شیون نباید کرد و درین عهد که ما عهد ترقی ایرانیان میدانیم کدام یک از تیرات و تیرات مملکت و تیرات کلی ایسازی ماسل کرده اند که برضای آن مملکت باشد تا خوب حالا اندکی اطمینان کند ضمن امتحان اگر موافق مرضی شان شده است با مورات مگر بزنده است و داریم که رجال دولت مملکت و راستیارات بر رعایای خود اصولی قسار دهند در پیش ایمنان در قلب عاقد و آینه شود اگر چه ما میسیم که تمام تقاضای این رعایا است که راه در رسم کار در پیشان نیست معذرت اگر ایمنان باشد ممکن است سببی تیرات و رعایای فارجه ایران شش است استرادی و غیره بعد از تیرات و غیره خود اقدام نمایند خون این چشم بیرون می آید که هو طمان فرزند محرم ما و من فرزند خود را خستاب گذارده در تیرات مملکت و دیگران بگوشند خداوند حکام و دلا تا را انصاف دهد و رعایای ایران را به پیشاری بخشید و اگر دردم یکی بودی چه بودی

(معذرت)

و در وقت قبل در سوال جواب بپندی و ایرانی نیت انان قتون ایران را در جنگ جحان از روی تاریخ بیکس است و پنج هزار نوشته و حال آنکه از روی تاریخ ایران بالغ بر شش هزار بوده و دیگران که

شاهزاده مسعود میرزا را تمام الملک بزرگت و حال آنکه در حرم قوام الذکر بوده و در دست همان عهدان اراده کرده و او را در هشتم فراموش شد اگر چه در نقل قول ایرادی بر او وارد نیست ولی االی ایران آنچه در اخبار نوشته شود از اخبار نگارین ترویجش با حسرت لازم نیستیم

لبالب بعضی خطوط و جواب مجلس

چند نیست که بعضی خطوط شکرین محترم بند و ایراد و عار بر سید برقی اعدائات کرده اند شکرین محرم بنده خود ایشان اند که هر بنده چند خطی مصلحتین بحث انصاف است که ایرادها کجاست از آنکه کتبا نصف اخبار مصلحتین با بحث از عار بر نمایانند عار بر هم همین اقرض او را در اقرضات هر کار تصدیق بنمایم تا قسید و عار و عار برلی اداره از (دین) میرسد پس از رسیدن دستخط ایشان و اله و اله و اله تمام شکرین محرم خود را را نمی خواهم که در چندین مسامی دیگر ما را با به مصلحت داد تا بقیس که دلخواه است انتظارات امر در

(اخلاق سلطانی از شماره ۱۲)

«اگر با من است (تعبیر) میگوید اگر بر تعقی و وظیفه من نیست پس شکرین گوی تا مسمد که کتب منع انحصار جرات میگویم که در این سیکو امیر المومنان و از سبب شود شجرت خواهد پیوست که المان در قلب برمان بلکه در دل تمام مسلمانان عالم مای ایمنان را گرفته اند و اثر این امر اتم اتی نیست و به خواسته که نتیجه آن که از هر سمت ما حفظ کنیم صرف تصالفت مای بحال دولت و ملت بپس خواهد گردید روزی یکی از شرکان صاحب شان و منصب گنت که در دولت بپس که روی آینه مار ایسکه داین چه مای ارا من شده است - بسیاری از ایمنان سبب بزرگ را دیده کم که فرامین با جسده را خود که برلی و انشی بعضی از رجال تعصب ایمنان استغ یکدیگر و دیگر اعتبار ویرایشه ترقی و دولت بپس سبب

عداوت سببی از جهال انگلستانست و دولت شمائی برادر رفت ولی انوس بگسیانکه باطنانگات را بنیزد و مای دوستی دولت شمائی بر شنبه بسیار قلیل اند و فریادشان در مقابل آوازه هیئت انگلستان کمالی نبرد تا درین باب شک و شبه نیست که چنانچه شبیه در فرسید و انسان یکبار بکنند همان طور آن ایام و ضرری که خود فرسان ما زده اند جز اثرش از قدرت سید این است

من خود راه آگست ۱۲۹۹ که فرجه ارا منه بر پا کرده در اسب بپس و ممالک شورشیان را در اسب مصلحتین مسلمان سیدیم با اینکه بقدر جوی بر شرکان قصور دارند و تا در واقعاتی بی مصلحت بود از اخبارش اخبارات که اگر از روی فرض نباشد تا ما و همیانت بوده است و دانشان بپس و امریکا از جای و گرفته بدون تحقیق نظر مسلمانان شرکان سیدیم و حقیقین این در و اخبار اعلان داده بود که تا چند روز دیگر چهارای جنگی انگلیس وارد (پاس پورس) میشد ولی من از شخص معتبری که نیستیم نامش را اظهار دارم شنیده ام که چهارای جنگی انگلیسی در (پاس پورس) آمده است و این اخبارات واهی این شده است که بگویم چهارای جنگی انگلیس در باجازه روس هم باشد و پاس پورس نخواهند بود

من از روی محرمای خود را ظاهرا هر یکسکه در یک هیئت سلطان جبه المهد فانی فرزند حکومش را مملکت و رعایا بپس از روی میگویم که مصلحت مملکات است که گذشته را با این زمان در باره دولت عثمانی نموده خود بخود معلوم خواهد شد و ظاهرا خواهد کرد که غلطیهای مملکات و انتصارات به دولت عثمانی ضمیمه مای سلطان من ختم حکام خود را برای و قولی است ترل که سابق بود

ختم با بر کاب و دیما مگر است ترل میگوید تعجب دارم به سببی که تیران اروپا سلطان این قوم اعمور (یعنی شرکان) را با هم میگویند و حال آنکه دارای یک هیئت تنگ مملکتی که تیران آن بیژن دارد بوده و یک هیئت نیز تازه منبیه سپاه خود را در استعمال آن کار کرده است و قشون او صدها هزار

شبیات کرجالی آنست بهشت را در دهه توب
 و شهادت حضور میماند و اگر در اول شب که در تنگ
 عشاق را بهنگ آوردند و راه چاره را نمک میند و از
 برای طهر بیهوش آن آید و برقی رسول الله که آنرا
 بنام محمد و بهار بر سینه میون فدایان قرآن در
 نایه مسلم خواهش در هر یک که ما کتخت از قری ترین
 مالست و تمامش عنوان را که با نرس با پتیه
سکالمة سیاح ایرانی با شخص مندی
روز سی و پنجم عنوان هشتم

همندی - جناب آقای روزگار بسیار زوری و هشتم
 تو هشتم از قریب کلمات شما ملاحظه نمودم اصل بیست و هشتاد
 در هفتاد و نه هزار و هفتاد و نه بود ولی بیک در هفتاد و نه
 فارجه صحبت و هشتم مطلب فدایان که در مضمون بیست
 بود از میان رفت خواهش دارم امروز از مطلب بیست
 تویم و در همین مضمون خود بحث نایم تا فرجه بر اهل جمع شود
 ایرانی - بنده را در فرمایشات سالی عدوی نیست
 آنگه در بین صحبت بیستی بر بنده

همندی - آقای صاحب این مضمون با فضیلت تو کجی
 بر خوانستن بیستی چه
 ایرانی - انشاء الله در حق من که در ت بر جناب شما
 معلوم خواهد شد

همندی - آقای صاحب به درون صحبت بیست بیان
 فرمایید با هم که قوه جنگی و فرماندهی تو فرمانده ایران
 استیا افغانستان

ایرانی - عجب عجب شام العجب از دانش شما این
 دولت قدیم قوم ایران که تا این اواخر همه عجب با
 همه هم در سینه همین اول لغزم عالم بشم که در شما با انار
 انصاف و سخاوت سوزانده میماند این وقت در موهبه خواس
 به تنه استل ایرافغانستان چندین نفر او را در کردار
 موهبه دست که نو را مالی بل عالی ایرافغانستان تصد
 میکنند مثل امیر فاین و غیره خطه مسلمانان را
 بیهوش است بهشت شه ماکم نشین است این ایام در آن
 شهر لرزه و خل افغان در دهنه ترکستان بیست
 تلمش به ما که نشین در دست یا لحنه لسان در افغان

ایران میباشند و تمام جاتی که بیهوشی
 هستند - آقای صاحب طرلسان ارب که تربیت شده
 بنده خود که اخبارات آنکس میستم اخبارات آنکس
 و قلب االی بنده جای داده اند که ایران مثل افغانستان
 و ایکنه از آن است و اهل و ما مالی بنده همه
 اخبارات آنکس

ایرانی - مثل شهوار است که نقش خود را در این
 چون مالی بنده دولت ملت ایران و ایران را
 دیگر دیده و می بیند اخبارات آنکس از روی شک
 بر او بنده فارقت دولت ایران را از طریق اهل بیست

نایم که میگویند چنانچه افغانستان تابع غیر است
 ایران تابع روس میباشند و قریب بیان میکنند که
 قسید بسیار میباشند روس و انگلیس برادر و
 تقسیم خواهد شد مالی میماند که در سنج بیست

روسی و ایران بدر پیش رسیده که در قسید
 مملکت ایران را تصرف خواهد شد و این
 خیالات پشت بیستی ایران را در نظر اهل بیست
 من در خفیت میماند چون در زبان ما

بسنوز اخباری خدایم که جواب پولتیک
 اخبارات انگلیسی را به بنده ساره لوغان که
 ما را مصدق عنوانت اخبارات آنکس

تصدیر میکنند حق امر این است که مصلح بیستی
 دولت علیه ایران را در نظر فارجه قبسی بلو
 داده است که ایران را با افغانستان برابر
 میکنند و او را یک قوه از قوه جنگی و اصول

سیاست و تقویت معز او بر ایدانند شام را
 و این باید که به عالیان قوای دولت ایران که
 در آنکه در این جنگی شامه ری پر خوره همه شام
 حال جنگ که در آن زمین جنگی چرا که من قوای بیستی

دولت ایران را بهتر از دیگران میدم حال اگر در
 نشود در مصلح بیستی و تمام چهار دور پیش همه اجبات
 که در جنگ مشران را بکنند که است ایوان که یک
 قوای بیستی ایران نخواهد گردید و اقصا عالم را

پیشان کرده اند و در دیگر حالت محبت کردن ایم
 خواهش دارم بر مساف غنائم
 (سؤیة الاسلام)

تقریر مطبوعات ایران و معارف
اطلاعیته را با دو کرم عن با التذلل اصل

لغات صحیح و بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 و اکنون علیه بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 اسباب بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 را از تقریر و بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

بگذرد و بیستی بگذرد با او در هر یک که بیستی تو و چهار
 در آن که در حال سس انوار انوار بیست و هشتاد و هشتاد
 که کتابها در بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

و در هر یک که بیستی با او در هر یک که بیستی تو و چهار
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد

بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد
 بیست و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد